

در این بخش حوادث قدیمی را دوباره بازخوانی می کنیم؛ حوادثی بسیار قدیمی که فقط برخی افراد سن و سال دار آن را به یاد دارند و بازخوانی آن با همان ادبیات، نثر و نگارش قدیمی، برای ما و نسل قدیم بسیار جذاب و یادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. در این شماره، اخبار جنایی ای که در سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ در روزنامه های کیهان و اطلاعات منتشر شده را با منبع دیده بان تاریخ مرور می کنیم:

زغال جان پنج چوپان را گرفت

مهدی یکه سادات
تیش

زغال یادآور و در جراید منعکس شده است که هیچگاه منقل یا ظرف آتش زغال را در اتاق های در بسته و مسکونی نگذارید، متأسفانه هنوز هم در بعضی نقاط روستاهای دور افتاده افرادی پیدا می شوند که این یادآوری ها را نشنیده می گیرند و به این موضوع توجه ندارند که گاز زغال مرگ آفرین است و با این بی توجهی باعث مرگ خود یا دیگران می شوند.

نظیر همین واقعه ای که در حوالی روستای «زاعمرز» بهشهر رخ داد و پنج نفر یکجا بر اثر گاز زغال به هنگام خواب در گذشته اند. مشروح

این واقعه تأسف انگیز را خبرنگار اطلاعات در بهشهر چنین گزارش داده است: دو شب قبل که هوا کاملاً سرد بود، پنج نفر از چوپانان روستای زاعمرز واقع در ۲۴ کیلومتری بهشهر که برای تعلیف احشام در صحرا به سر می بردند، از شدت سرما نتوانستند مانند هرسب به نوبت استراحت کنند. سرمای شدید آنها را ناچار کرد به کلبه چوپانی که یک خانه روستایی است پناه ببرند و برای گرم کردن خود آتش روشن کنند. در آن خانه روستایی کس دیگر سکنی نداشت و چوپان های روستا هر وقت خسته می شدند یا احتیاج به استراحت داشتند، به آنجا می رفتند.

یک زن و مرد با هم خودکشی کردند

پریروز در اطاق ۱۰۲ مهمانخانه کوروش شیراز یک مرد ۲۰ ساله و یک مرد ۴۵ ساله با هم خودکشی کردند. مرد نام خود را در دفتر مهمانخانه، مهندس ... گفته است. این زن و مرد بعد از ظهر پریروز وارد مهمانخانه شدند، به اطاق خود رفتند و دیگر از آنجا خارج نشدند و حتی دستور غذا ندادند! بامداد دیروز مسئول نظافت اطاق ها موقعی که برای تمیز کردن اطاق شماره ۱۰۲ وارد آنجا شد زن و مرد را در خواب یافت. ظهر دیروز مسئول رزرواسیون مهمانخانه که نگران شده بود به این اطاق رفت و متوجه مرگ دو مسافر شد. جریان واقعه به دادگستری اعلام شد و اجساد به پزشکی قانونی انتقال یافت.

چوپان های روستای زاعمرز که رحمتا... (۵۰ ساله)، درویش (۲۳ ساله)، سید قاسم (۲۲ ساله)، ولی... و حسن (۲۰ ساله) نام داشتند، غالباً به آن خانه روستایی یا در حقیقت کلبه چوپانی رفت و آمد داشتند. آن شب هم برای فرار از سرما به کلبه اشتراکی خویش پناه بردند و مقداری زغال را که برای پختن شیر و تهیه ماست و سایر فرآورده های لبنیاتی در آنجا داشتند، در یک بشکه بزرگ ریختند و مقداری چوب خشک هم فراهم آوردند و آتش زدند. پنج چوپان مذکور با همان آتش غذا پختند و شام خوردند و بعد هم در کلبه خود را محکم بستند و بشکه زغال فروخته را داخل اتاق گذاشتند و کنار هم خوابیدند، اما این خوابیدنی بود که بیداری ای نداشت زیرا گاز زغال هر پنج نفر آنها را مسموم کرد و چوپانان مذکور در حالت خواب بر اثر مسمومیت ناشی از گاز زغال جان سپردند. در آن کلبه آن شب دو گربه که از سرما پناه آورده بودند نیز مردند. صبح روز بعد حیدر یکی از اهالی زاعمرز که برای خرید شیر تازه به کلبه چوپان ها رفته بود، با اجساد هر پنج چوپان که کنار هم خوابیده و مرده بودند مواجه شد و جریان را به ژاندارمری محل اطلاع داد.

قرار است امروز از اجساد کالبدشکافی به عمل آید. پزشکی قانونی شیراز گفت ظاهر اجساد نشان می دهد که با داروی خواب آور در گذشته اند، ولی علت واقعی مرگ و نوع سم به آزمایش امحاء و احشا نیازمند است. زن متوفی دارای پای مصنوعی بود. مهندس در دفتر مهمانخانه نشانی منزل خود را در یکی از خیابان های شمالی تهران ذکر کرده است. گفته می شود که این زن و مرد به هم علاقمند بودند و شاید به این علت دست به خودکشی زده باشند که ازدواجشان امکان پذیر نبود. این زن دارای فرزندی به سن مهندس بود.

با توجه به پرسش های ارسالی خوانندگان تیش در خصوص موضوعات حقوقی، مریم جنت آبادی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان می توانند پرسش های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۱۱۱۲۷ مطرح کنند و پاسخ را در همین ستون بخوانند.

«شکایت از داماد» داماد بنا به دلالی غیر منطقی دخترم را مجبور کرده که با ما ارتباط نداشته باشد؛ می توانیم این موضوع را به صورت قانونی پیگیری کنیم؟

شما از طریق تلفن یا به صورت حضوری می توانید احوال دختر خود را جویا شوید؛ حالا که دخترتان این وضع را تحمل کرده بهتر است بخاطر حفظ زندگی او تحمل کنید اما اگر احتمال می دهید خطر جانی دخترتان را تهدید می کند می توانید به دادسرا رفته و شکایت کنید.

«ناشره» دخترم عقد کرده اما هنوز به خانه شوهر نرفته است؛ آیا داماد می تواند او را ناشره اعلام کند؟

دختر باکره ای که ازدواج کرده می تواند از حق حبس خود استفاده کند، یعنی بگوید تا زمانی که مهریه را دریافت نکرده تمکین نمی کند، به این ترتیب مرد باید مهریه را بدهد و تا زمانی که آن را بطور کامل پرداخت نکرده نمی تواند درخواست تمکین کند حتی اگر پرداخت مهریه با توجه به اعسار داماد قسطنطی شود، دخترتان می تواند تا پرداخت کامل مهریه تمکین نکند و در این مدت از نفقه اش بهره مند شود.

«سهم الارث» پدرم زنده است. آیا من می توانم حالا سهم ارثم را از او طلب کنم؟

هر شخص در زمان حیات خود می تواند هر مقدار از اموالش را انتقال دهد اما نمی توان او را مجبور کرد در زمان حیات سهم الارث ورثه را پرداخت کند. سهم الارث و پرداخت آن زمانی انجام می شود که شخص زنده نباشد؛ باید توجه داشت هرگونه انتقال اموال در زمان حیات سهم الارث نام نمی گیرد.



طرح دستگیری سارقان موبایل قاب در اداره هجدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ برگزار شد. در این طرح به صورت همزمان ۵۱ سارق گوشی قاب و مایلر آنها دستگیر شدند؛ این افراد در قالب ۱۷ باند فعالیت می کردند و از آنها ۵۱۰ دستگاه تلفن همراه سرقتی کشف شد.